

صبا بسیار پرکار بوده و همان طور که در اول اشاره شد به شاهنامه علاقه خاصی داشت پس یکی از آثارش را به شیوه شاهنامه سرود



آشنایی با یکی دیگر از شاعران دوره قاجار این برنامه: فتحعلی خان صبا!

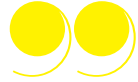
ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات

تا به این شماره با اکثر شاعران معروف اوایل دوره قاجار آشنا شدید و حالا نوبت به فتحعلی خان صبا کاشانی رسیده که به شاهنامه و فردوسی علاقه خاصی داشت. فتحعلی خان پسر آقامحمد که از یک خانواده قدیمی کاشان است و اکثر افراد خانواده اش کارهای دیوانی داشتند. در همان کاشان در سال ۱۱۷۹ هجری به دنیا آمد و در آن شهر بزرگ شد. کار دیوانی به او هم ارث رسید و صبا ابتدا الطغعلی خان شاهزاده زندامدح کرد و سپس به دربار فتحعلی شاه پیوست و ملک الشعراء او شد. فتحعلی خان بسیار زنگ بود و هنگامی که فتحعلی شاه میخواست به پادشاهی برسد به تهران آمد و برایش قصیده ای خواند که بسیار مورد پسند واقع شد و در نهایت منصب احتساب الملکی را برای خودش کرد. علاوه بر مدح و کارهای دیوانی، شغل های دیگری مانند کلیدداری آستان قم یا حکومت قم و کاشان را داشت و در نهایت در ۶۰ سالگی در تهران با زندگی خدا حافظی کرد. صبا بسیار پرکار بوده و همان طور که در اول اشاره شد به شاهنامه علاقه خاصی داشت پس یکی از آثارش را به شیوه شاهنامه سرود و آن داستانی است حماسی در ستایش وقایع پادشاهی فتحعلی شاه و نامش را شاهنشاه نامه گذاشت. او به قدری تحت تأثیر فردوسی بود که تنها به زبان توجه داشته و بسیاری از وقایع تاریخی را نادیده گرفته است پس آن خیلی قابل اعتماد نیست و بسیاری از لغات کهن، روسی و تعبیرات فردوسی را در آن می بینید. از آثار دیگرش می توان به دیوان اشعارش، خداوندنامه که در بیان معجزات پیامبر (ص) و جنگ های حضرت علی (ع) است، عبرت نامه در مدح فتحعلی شاه، گلشن صبا که به تقلید از خاقانی و بوستان سعدی است، اشاره کرد. آثارش ارزش خواندن دارد و زبان شیرین او باعث می شود با سبک شاعران قاجار بیشتر آشنا شوید. علاوه بر این ها کار مهمی که صبا برای ادبیات کرد آن بود که سعی کرد آیین قصه گوئی و شاعری کهن را زنده کند و در اکثر قالب های شعری مثل غزل، قصیده و... شعر بگوید. فتحعلی خان به غیر از فردوسی از دیگر شاعران کهن هم تقلید کرده مانند انوری و این تقلیدها باعث شده که هیچ لغت و نکته جدیدی در آثارش نبینیم ولی با این حال آثار او بسیار خواندنی است. نمونه ای از شعراورامی خوانید:

جهان از سخن آفرید
به گفتمی شد این آفرینش پدید
ز هر آفرینش سخن برتر است
سخن ز آفرینش بهین گوهر است
نمرد و نمیرد کسی کش سخن
بود ماه جان و نیروی تن
نه در خاک ماند سخن های پاک
تن پاک گوینده گوشه خاک



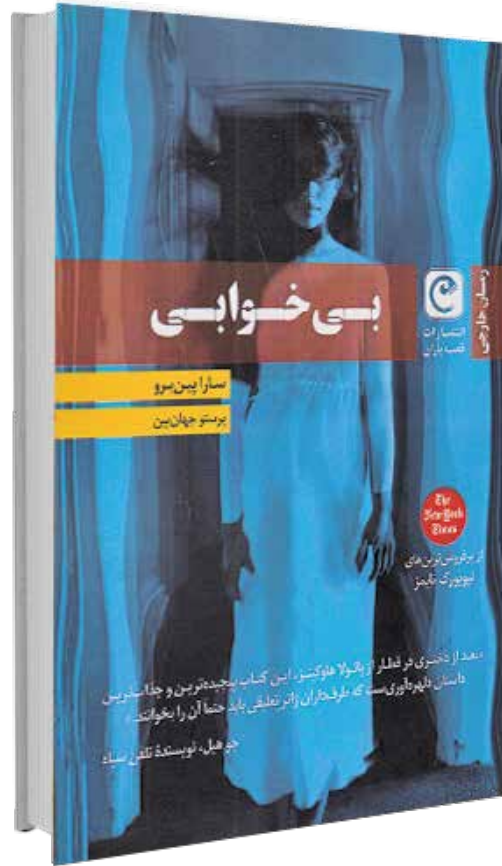
آثارش ارزش خواندن دارد و زبان شیرین او باعث می شود با سبک شاعران قاجار بیشتر آشنا شوید. علاوه بر این ها کار مهمی که صبا برای ادبیات کرد آن بود که سعی کرد آیین قصه گوئی و شاعری کهن را زنده کند



هر شب از فکرتوبی خوابم

معرفی کتاب «بی خوابی» اثر «ساراپین برو»

الهام اشرفی
نویسنده



سارا پین برو نویسنده انگلیسی متولد ۱۹۷۲، در ایران کمتر شناخته شده است. او بیش از ۲۰ زبان منتشر کرده که در ایران تنها دو اثر از او ترجمه و منتشر شده است: «بی خوابی» و «لطفاً از من عکس نگیرید» که هر دو اثر توسط نشر قصه باران و با ترجمه خانم پرستو جهان بین روانه بازار نشر شده است. رمان «بی خوابی» از جدیدترین آثار او است که در سال ۲۰۲۲ میلادی منتشر شده؛ یک تریلر روانشناختی.

تعریف تریلر

تریلر در ادبیات به داستانی می گویند که ماجرای هیجان انگیز داشته باشد. شخصیت داستان تریلر در موقعیت های خاص و خطرناک قرار می گیرد که رها شدن از آن موقعیت ها به راحتی امکان پذیر نیست. در داستان های تریلر، هیجان و کشمکش بین خیر و شر پایانی ندارد. در هر فصل و هر صفحه شخصیت با بحرانی تازه روبه رو می شود. در واقع وظیفه تریلر ایجاد هیجان در خواننده است. نویسنده با ایجاد ریتمی پرشتاب و تعلیق های مکرر معمایی را مطرح می کند که بسته به درجه تبحر نویسنده، آن ماجرا و معما تا به آخر داستان خواننده را می کشاند یا شاید هم نمی کشاند!

حالا اگر کتابی در ژانر تریلر، پیرنگ روانشناختی هم داشته باشد که یعنی نویسنده تعلیق و هیجان ایجاد معما را با مسأله ای ذهنی-شخصیتی ترکیب کرده است که این ترکیب بر هیجان و جذابیت قصه می افزاید.

چرا خوابت نمی بیره؟

ایما، یک زن متأهل است، زنی که در ظاهر خانواده خوبی دارد؛ همسر و دو فرزند. وکیل موفقی است که بنا به شغلش درآمد خوب و خانه و زندگی خوبی هم دارد. ماجرای رمان «بی خوابی» از دوازده روز مانده به تولد چهل سالگی ایما شروع می شود، اما این چهل سالگی مثل چهل سالگی همه آدم ها نیست. سال ها پیش مادر ایما در شب تولد چهل سالگی اش دچار نوعی بیماری روان پریشی شده که بروز این بیماری موجب سرگشتگی و آوارگی ایما و خواهرش شده است. ایما در خاطرات تلخ و محو دوران کودکی اش به یاد می آورد که بیماری مادرش با روزها و شب های پشت سرهم بی خوابی شروع شده بود. حالا ایما در آستانه چهل سالگی دچار بی خوابی شده است. روزها و شب ها از پی هم می گذرند و او خسته از کار و بچه داری و سرو کله زدن با دختر نوجوانش و شغل پرچالشش است، اما ایما نمی خوابد؛ نه با قرص و نه با هیچ دارو و درمان مشاور روانشناسی اش. علاوه بر بی خوابی کم کم اتفاقاتی می افتد، اتفاقاتی از گذشته و نیز از محیط اطرافش و مهم تر از همه از سمت خانواده اش که هر روز او را بیش از پیش در هاله ای از خستگی، ترس و بی خوابی فرو می برد.

رمان بی خوابی در ژانر خودش کتاب موفقی است. کتابی است که شما به عنوان خواننده آن را در دست خواهید گرفت و همین طور که از زندگی روزمره کناره می گیرید، در تعلیق کتاب و بی خوابی های مکرر ایما و درگیری های روانشناختی اش غرق می شوید. شما با ایما بی خواب می شوید و دلتم می خواهید ایما را از توی کتاب بیرون بکشید و برایش جای خوابی فراهم کنید تا او راحت، آسوده و بی استرس بخوابد! و این یعنی نویسنده و البته مترجم ایرانی اش در القای این حس موفق عمل کرده است.

خیابان گاندی، خیابان یک قتل هوناک!

مروری بر یک جنایت نه چندان کهنه

فاطمه السادات شهبوش
خبرنگار

خواندن صفحه حوادث روزنامه ایران در دهه هفتاد یکی از جذاب ترین سرگرمی های من بود. آن زمان هنوز پدر و مادرها روی جریحه دارنشدن روحیه لطیف کودکان حساسیت نداشتند. والدین من هم از این قاعده مستثنی نبودند. من ۹ ساله بودم و دنبال کردن ماجرای دوستی شاهرخ و سمیه و به دنبالش دو قتل که آنها مرتکب شده بودند باعث می شد، هر روز مشتاق تر از دیروز منتظر بازگشت پدرم از محل کار باشم؛ روزنامه ایران را از لایه لای سایر روزنامه ها جدا کنم و بروم سراغ صفحه حوادث اش. حالا بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از آن اتفاق باور نکردنی، مهراوه فردوسی دوباره به سراغش رفته و در کتابی با عنوان «خیابان گاندی ساعت پنج عصر» به واکاوی روایی این جرم پرداخته است. نویسنده که روزنامه نگار نیز هست در قالب ۴ جستار دیدگاه های خود درباره این جنایت را بیان کرده. در همین زمینه فردوسی در مقدمه می نویسد: «... به همین دلیل تصمیم گرفتم روایت ها و اتفاق های تأثیرگذار و گفتمان های متعدد دهه هفتاد، چگونگی مواجهه حکومت، رسانه ها و مردم با این جنایت و مهم تر از آن نقاط تلاقی همین نهادها را کشف کنم؛ نقاطی که محصل گفتمان های اصلی آن دوران بودند.» از آنجا که نوع ادبی ناداستان و به طور خاص تر جستار در چند سال اخیر میان مخاطبان جدی ادبیات جایز کرده، زیر عنوان چهار جستار درباره پرونده جنایت «سمیه و شاهرخ» که دهه هفتاد را در بهت فرو برد روی جلد کتاب باعث جذب بیشتر افرادی خواهد شد که این روزها در کنار نسخه های ترجمه ای کتاب های جستار به دنبال آثار تألیفی در این زمینه هستند.

کتاب اما فقط شامل جستار نیست؛ بلکه فصل هایی با عنوان پرده دارد که در آن برش هایی از روزنامه های آن زمان در کنار هم چیده شده اند. پرده ها، کتاب را برای مخاطبینی که درباره این اتفاقاتی اطلاعاتی ندارند یا همچون من به دنبال زنده کردن خاطرات محو گذشته هستند، جذاب می کند؛ طوری که انگار در حال خواندن رمانی جنایی هستید. پرده اول با بازخوانی پرونده آن چند روز اول شروع شده و کام به کام از لحظه شروع انتشار اخبار جنایت به خواننده اطلاع می دهد. در بخش پرده ها، تحقیقات گسترده نویسنده به وضوح به چشم می خورد. او نه تنها بریده های روزنامه ای را که مستقیم به شرح قتل پرداخته اند جمع آوری کرده؛ بلکه به موضوعاتی چون چگونگی دستیابی خبرنگاران به این اطلاعات و سختی هایی که در این مسیر کشیده اند نیز توجه کرده است. با عنایت به جذابیت موضوع به نظر می رسد مخاطب، خواندن این کتاب ۱۹۲ صفحه ای را در یک یا نهایت دو نشست به پایان برساند و پس از اتمام کتاب به درکی نسبی از شرایط ایران دهه هفتاد برسد؛ شرایطی چون باز شدن کافه ها، تابوبودن روابط دختر و پسر ها و نحوه مواجهه مسئولان دولتی با پدیده ای که آن زمان تهاجم فرهنگی می نامیدند. البته باید توجه داشت از آنجا که در جستار، نظر نویسنده بر متن سایه می اندازد، دیدگاه ها و تفکرات مهراوه فردوسی در خصوص این جنایت و چگونگی توجه به حال و هوای آن برهه از تاریخ ایران در سراسر بخش های جستار کتاب مشهود است.



با عنایت به جذابیت موضوع به نظر می رسد مخاطب، خواندن این کتاب ۱۹۲ صفحه ای را در یک یا نهایت دو نشست به پایان برساند و پس از اتمام کتاب به درکی نسبی از شرایط ایران دهه هفتاد برسد

